



اما به هر یک از ما به فراخور اندازه بخشش مسیح، فیض بخشیده شده است. از این رو می گوید: «هنگامی که به عرش برین صعود کرد، اسیران را به اسیری برد و هدایا به مردم داد.»^۹ عبارت 'صعود کرد'، حاکی از چیست، جز آن که به جایهای پست تر زمینی نیز نزول کرد؟^{۱۰} او که نزول کرد، همان است که از همه آسمانها بسی فراتر رفت، تا همه چیز را پر سازد. ۱۱ او است که بخشید برخی را به عنوان رسول برخی را به عنوان نبی، برخی را به عنوان مبشر، و برخی را به عنوان شبان و معلم، ۱۲ تا مقدسین را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح، ۱۳ تا زمانی که همه به یگانگی ایمان و شناخت پسر خدا دست یابیم و بالغ شده، به بلندای کامل قامت مسیح برسیم.

خدا می تواند همه چیز را انجام دهد و در همه جا است. از کوچکترین حیوان به جهان بزرگ، اثر انگشتش در هر کجا احساس می شود. با این حال خدا در همه جا خودش را نشان نمی دهد. از طریق عظمت و حکمت بزرگ خود، خدا خودش مکازها، مردم ها و زمانها انتخاب می کند، چرا که او می خواهد خود را فاش کند. خداوند به هیچ وجه اجازه نمی دهد که خود را با اندیشه های عاشقانه، فلسفی یا دیگر اندیشه ی انسانیمز محدود کنیم. کسی که سوال می پرسد "خدا کجاست؟" سوال اشتباه را مطرح کرده است. از آنجا که ما انسانها قادر به دیدن خدا نیستیم. این کاملا در

توانایی ما نیست که خدا را ببینیم. "من هستم!" خدا به موسی از درخت آتش می گوید. و انسانها به ندرت می فهمند که ما نمی توانیم خدا را توصیف کنیم. ما می خواهیم که خداوند مناسب به ایده های ما مطابقت داشته باشد. اما چگونه خدا آشکار می کند، متفاوت از آنچه فکر می کنیم است. او یک پیامبر ناقص را انتخاب می کند؛ و همچنین یک نفر معصوم؛ و در این افراد او یک معبد را می سازد. و در آن معبد مقدس ۱۰ فرمان می داشت. برای این کار تنها یک دلیل بود که خدا آن را انتخاب کرد. او خودش آن را بر اساس جای مناسب تایید کرده است. همه این ها به پولس شناخته شده بود، به طوری که او به سختی قلم و پاپيروس را برداشت و نامه ای به افسسیان نوشت. پولس راه های خدا را از طریق موسی و از طریق قانون دانست. خدا یکی است و تنها یک راه برای خدا وجود دارد. این همان شیوه ای است که خداوند خود را ساخته است. یک خدا، یک راه، یک مکاز همه آن را در عهد عتیق نوشته شد اما در عهد جدید پیشی گرفته است. جایی که خداوند باید پیدا کند دیگر معبد در اورشلیم نیست، بلکه عیسی مسیح است و عیسی دیگر نباید فقط برای اسرائیل باشد، بلکه برای همه مردم است.

عیسی مسیح یک مکاز و یک فرد است که خدا و مردم را به هم می رساند. ما انسانها فقط می توانیم از طریق عیسی به خدا برسیم. و به همین ترتیب پولس با پاپيروس به سختی می نویسد: یکی به عمق جهنم رسیده و سپس به آسمان نیز بازگشته است. این عیسی مسیح است. و تنها از طریق او به خدا می آیند پولس این کلمات را بر روی پاپيروس خود نوشته است؛ زیرا او به بسیاری از کلیساهای کوچکی که از عیسی مسیح می دانسته اند و به او ایمان دارند فکر می کرد. بسیاری از چیزها در کلیسا خیلی ضعیف بود. بارها و بارها افرادی بود که نمی خواستند راه خدا را دنبال کنند. آنها ترجیح می دهند خودشان را بزرگ کنند. و خودشان مشهور شوند. کلام خدا و عیسی برای آنها خیلی خسته کننده بود. و بنابراین گروه ها به سرعت در کلیسا ظهور کردند. آنها «ستارگان» روحانی محبوب خود را برای دنبال کردن انتخاب کرده بودند. و گروه هایی به سرعت بین یهودیان و یونانیان پدید آمدند. و بین کسانی که قانون را دقیق تر تفسیر می کردند و دیگرانی که دیگر قانون عهد قدیم را نمی خواستند. این خطر وجود داشت که کلیسا با هم می ریخت و وحد کلیسا خراب شود. سخنان پولس باستانی و در عین حال مرتبط به ما است. زیرا ما نیز بارها و بارها تجربه می کنیم که شیطان بین ما مسیحیان اختلاف می افکند. اتفاقی که بعدا می افتد شبیه به اتفاقات یک خانواده است. خانواده ها نزدیک ترین جامعه اجتماعی هستند. و زمانی که جدایی و اختلاف در خانواده به وجود می آید، به ما ضربه می زند. و ما از آن رنج زیادی می بریم زیرا جدایی و اختلاف در خانواده قابل تحمل نیست. برای ما مسیحیان چیزهایی شبیه به آنچه در یک خانواده است. ما نزدیکترین اجتماع را در مسیح تجربه می کنیم. و با این حال تفاوت ها و چیزهایی که ما در مورد دیگران دوست نداریم آنقدر زیاد است که صدمه دیده ایم و می خواهیم از این شخص جدا شویم.

و در عین حال پولس نیز چیزی بسیار خوب در کلیسا شناخت. جامعه وجود داشتند که توسط رسولان و پیامبران مردم آموزش داده شدند، اهل علم فرستاده شدند. معلمان انجیل را اعلام کرده اند. هدایای روح القدس کلیسا را با اعمال عشق و حقیقت تزئین کرده است. این تنها زمانی اتفاق می افتد که کلیسا می توند از منبع درست زندگی کنند. همان منبع عیسی مسیح است. و از طریق او تنها ما انسانها با هدایای آسمان به بهشت می رویم. باز هم بار دیگر پولس مجبور شد با مردم دعا کند و نامه های طولانی بنویسد تا کلیساهای این عیسی را از دست ندهند. درست است که خدا همه چیز را انجام داده است و اثر انگشتش در همه جا است. اما درست نیست که انسان می توند خدا را در همه جا

پیدا کند. این نیز درست نیست که ما بتوانیم از یک پیامبر به دیگر پیامبران برویم. نه، هنگامی که به خدا می آید، خود خدا باید ما را صدا بکند. خود خدا باید خود را به ما نشان دهد و خود خداوند راه ها و معانی را برای یافتن او انتخاب می کند. کارگزار کلیسا یعنی کاهنان پیامبران و اهل بیت ها، کلمات خود را نمی گویند. اما فقط کلمات عیسی. و کارگزار در کلیسا نیز یک هدف دارند. آنها کلیسا را به سوی عیسی مسیح ساختند. این همان چیزی است که پولس به افسسیان نوشت. این کار هم امروز مهم است. در سخنان خود، پولس بارها و بارها به منبع واحد در عیسی مسیح باز می گردد. او به خوبی می داند که کلیسا همیشه همنوع نخواهد بود. زبان های مختلف وجود خواهد داشت. همچنین آداب و رسوم مختلف. و با این حال هماهنگ وجود خواهد داشت. و پولس نکات اساسی را که ما را در اینجا نگه می دارد فهرست می کند: ما در عیسی مسیح یک بدن هستیم. و ما یک روح القدس را داریم و بنابراین در امید واحد رستخیز و زندگی جاودانی سهیم هستیم. و بنابراین متعلق به یک پدر در آسمان هستیم. پولس وحدت کلیسا را بر پایه خدا قرار می دهد. طبق دید او، ما به عنوان یک کلیسا در فضایی مشابه با خدای پدر، پسر و روح القدس هستیم. وقتی تعمید می گیریم، به این فضای تعمید می گیریم و از آن به بعد با خدای پدر، پسر و روح القدس همراهی می کنیم. و هنگامی که با هم شریک می شویم، با کلیسایی که در بهشت است مشارکت می کنیم. ما به عنوان مسیحی اجازه نمی دهیم که جهاز مرا دیکته کند چه نوع کسی هستیم. بر اساس دید این دنیا، ما انسان ها افراد خاصی هستیم که تحصیلات خاصی داشته ایم، به زبان خاصی صحبت می کنیم، متعلق به حزب خاصی هستیم. کلیساهای آن زمان دوست داشتند به افراد کاریزماتیک خاصی مراجعه کنند. پولس تاکید می کند. همه ما مهبت های خدا را در یافت کرده ایم. و همه ما توسط یک شخص هدیه روح القدس را در یافت کردیم. یعنی مسیح.

وقتی پولس پس از آن به افسسیان نوشت، کلیسا توسط بسیاری از معلمان دروغین تهدید شد. امروز تفاوت ندارد از آنجا که شما از بسیاری جهات می شنوید. آنها می گویند که خدا واقعی نیست. و آنها هم می گویند که ما نباید کلمه خدا را باور کنیم. و در واقع مسیح برای گناهان ما نمی مرد و به هر حال از مردگان رستخیز نکرده است. بعضی از مردم احساس آزادی می کنند تا کلمات انجیل را کنار بگذارند. باور آنها است که می توانند از هر جهت چیز ساده تری در مورد خدا پیدا کنند. پولس این کلمات را توصیف می کند. آنها فریکارانه هستند و پایدار نیستند. هر کسی که به این موضوع و هر تدریس می پردازد، به زودی متوجه خواهد شد که او از یک جهت به سوی دیگر از بین می رود و بدون داشتن یک شرکت پایدار زندگی می کند. از آنجا که در همه جا حقیقت وجود ندارد. در عهد عتیق، کلمه مقدس نیز می تواند به عنوان "جدایی" درک شود. از این رو، کار خداوند از جهاز جدا می شود و از گناه انسان جدا می شود. در عهد جدید متفاوت نیست. برای همه چیزهایی که می توانیم از خدا بدانیم، در عیسی مسیح خلاصه می شود. اگر ما در او هستیم، ما مقدس هستیم! این همان چیزی است که ما در خدا هستیم. اما اگر ما در عیسی نیستیم، ما در قلمرو دنیوی هستیم و جدا از خدا هستیم. پولس، چیزی جز این عیسی اشاره نکرد. تا این روز، وظیفه کلیسا هیچ چیز دیگری را باقی نگذاشته است. این که آیا ما به کلاس های غسل تعمید می رویم، به کلیسا برویم یا به خدمات کودکان برویم. هدف امروز همان است. ما می خواهیم به عیسی مسیح برویم و از طریق عیسی به خداوند. او تنها کسی است که به جهنم رفته است. و از آنجا دوباره به بهشت رفت. در همین جا که خدا است آمین.